



وزارت ارتباطات پیگیر باز کردن دسترسی هاست

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد، اجرای مصوبه «تسهیل دسترسی به سکوهای بین‌المللی» با محوریت مرکز ملی فضای مجازی در دستور کار قرار دارد و روند پیگیری آن به‌صورت منظم ادامه می‌یابد. ستار هاشمی به «خانه ملت» گفته، وزارت ارتباطات در جلسات مربوط به اجرای مصوبه ۳۲ بندی شورای عالی فضای مجازی، حضور فعال دارد و هماهنگی‌ها با مرکز ملی فضای مجازی در حال انجام است. به گفته‌هاشمی، جلسات مربوط به اجرای این مصوبه به‌طور مستمر و هر دو هفته یکبار برگزار می‌شود و هدف آن، فراهم‌سازی بسترهای لازم برای تسهیل دسترسی کاربران به سکوهایی بین‌المللی است. پیش‌تر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس گفته بود این مصوبه می‌تواند شامل بازنگری در وضعیت دسترسی به پرخی پیام‌رسان‌های پرکاربرد باشد. وزیر ارتباطات تأکید کرد، دولت در اجرای کامل این مصوبه جدی است و روند پیگیری آن ادامه خواهد داشت.



تعليق توافق فناوری آمريکا و بریتانیا

دولت آمریکا توافق فناوری با بریتانیا را که اوایل امسال با هدف تقویت همکاری‌های فناوریانه امضاء شده بود، به حالت تعلیق درآورد. فایننشال تایمز روز دوشنبه به‌نقل از منابعی گزارش داده، مقام‌های بریتانیایی تأیید کرده‌اند این تعلیق هفته گذشته از سنوی واشنگتن اعمال شده است. براساس این گزارش، دولت ترامپ در پی آن است که بریتانیا در حوزه‌هایی خارج از مشارکت فناوری، به‌ویژه در زمینه تجارت، امتیازهایی ارائه کند. منابع آمریکایی گفته‌اند، واشنگتن به‌طور فزاینده‌ای از تمایل محدود بریتانیا برای رسیدگی به موانع غیرتعرفه‌ای، از جمله مقررات مربوط به مواد غذایی و کالاهای صنعتی، ناخرسند شده است. موضوع این توافق که گفته می‌شود، ۳۱ میلیارد پوند ارزش دارد در حوزه‌های هوش مصنوعی، رایانش کوانتومی و انرژی هسته‌ای غیرنظامی است و در جریان سفر اخیر ترامپ به بریتانیا، نهایی شده بود.



پرنده آبی توئیتر شاید برگردد

یک استارت‌آپ آمریکایی برای احیای توئیتر، دادخواستی رسمی به اداره ثبت اختراعات و علائم تجاری ایالات‌متحده (USPTO) ارائه داده است. این شرکت که خود را Operation Bluebird (عملیات پرنده) معرفی کرده، در دادخواست‌اش خواستار لغو علائم تجاری «Twitter» و «tweet» متعلق به شرکت X شده است. آنها مدعی‌اند که این علائم پس از تغییر برند توئیتر به ایکس، عملاً رها شده‌اند. در متن دادخواست گفته شده، نشانه‌های تجاری توئیتر و به‌طور مشخص پرنده آبی به‌طور کامل از محصولات، خدمات و بازاریابی شرکت X حذف شده و هیچ نشانه‌ای از قصد این شرکت برای بازگشت به این علائم وجود ندارد. این گروه اعلام کرده، در صورت موفقیت، شبکه اجتماعی جدیدی با نام Twitter.new راه‌اندازی می‌کنند. پلتفرمی که به گفته آن‌ها، نمونه اولیه فعال دارد و امکان رزرو نام کاربری را فراهم کرده است. ایلان ماسک در سال ۲۰۲۲، توئیتر را با قیمت ۴۴ میلیارد دلار خرید و در سال بعد، برند آن را به X تغییر داد.

فناوری

۱۴



عکس: TIME

تایتان‌های سیلیکون‌ولی

کالبدشکافی انتخاب «معماران هوش مصنوعی» به عنوان شخصیت سال ۲۰۲۵ مجله تایم

شوک دیپ‌سیک تا فرمان‌های اجرایی ترامپ) و ترسیم چشم‌اندازی که این «معماران» برای نیم‌قرن آینده بشریت طراحی کرده‌اند.

▼ **آینه تمام‌نمای قدرت: تبارشناسی انتخاب‌های تایم**

برای درک اهمیت و معنای انتخاب سال ۲۰۲۵، ضروری است که از سطح ظاهری عبور کرده و به عمق فلسفه انتخاب «شخصیت سال» در مجله تایم بپردازیم. این عنوان که از سال ۱۹۲۷ اعطا می‌شود، همواره با سوت‌تقاهم‌های عمومی همراه بوده است؛ بسیاری آن نوعی «افتخار» یا «تأیید اخلاقی» می‌پندارند، درحالی‌که تایم همواره بر معیار «تأثیرگذاری» تأکید داشته است، فارغ از جهت‌گیری خیر یا شر آن. فلسفه انتخاب شخصیت سال تایم، ریشه در نظریه تاریخی «مردان بزرگ» (Great Man Theory) دارد؛ هر چند این مجله در دهه‌های اخیر، دامنه انتخاب خود را آگاهانه گسترش داده و دربرگیرنده گروه‌ها و ایده‌ها نیز شده است. اما روح این انتخاب در تعریف بی‌برده و مناقشه‌برانگیز آن خلاصه می‌شود: «شخصیت سال، فرد یا جمعی است که بیشترین تأثیر را بر اخبار و سرنوشت ما داشته است، خواه این تأثیر نیک بوده باشد و خواه بد.» این معیار باعث شده است که تایم در طول تاریخ خود، برخی از بحث‌برانگیزترین و حتی منفورترین چهره‌های تاریخ را روی جلد خود ببرد. مرور این تاریخچه برای درک جایگاه «معماران هوش مصنوعی» حیاتی است، زیرا نشان می‌دهد که قرار گرفتن در این جایگاه، لزوماً به معنای قهرمان بودن نیست. پذیرش این معیار عریان -یعنی تأثیر صرف‌نظر از ماهیت آن- تایم را مجبور کرده که برخی از بحث‌برانگیزترین و حتی منفورترین چهره‌های تاریخ را روی جلد خود ببرد؛ افرادی که تأثیرشان بر جهان، با خون و ویرانی ثبت شده است. به‌عنوان مثال، آدولف هیتلر در سال ۱۹۳۸ انتخاب شد؛ در سالی که ماسشین جنگی نازی‌ها اروپا را در وحشت فرو برده بود، او تریش را ضمیمه کرد و اراده خود را بر قدرت‌های اروپایی تحمیل نمود. تایم چاره‌ای جز انتخاب او نداشت و با لحنی هشدارآمیز و محکوم‌کننده، او را «بزرگ‌ترین تهدید برای جهان دموکراتیک» و «مردی که سال ۱۹۳۸ را تسخیر کرد» نامید. نادیده گرفتن هیتلر در آن سال، به‌معنای نادیده گرفتن واقعیت هولناک جهانی بود. این الگو با انتخاب ژوزف استالین، دیکتاتور شوروی -که دو بار این عنوان را دریافت کرد، تکرار شد. بار اول در سال ۱۹۳۹، پس از امضای پیمان عدم‌تجاوز با هیتلر که عملاً چراغ سبز شروع جنگ جهانی دوم بود و بار دوم در سال ۱۹۴۲، زمانی که مقاومت استالین‌گراد سرنوشت جهان را تغییر داد. تایم با پذیرش تأثیر وحشتناک او نوشت: «تاریخ با خون نوشته می‌شود

فهرست هشت نفر اصلی که روی جلد مجله تایم قرار گرفته‌اند و سایر چهره‌های برجسته‌شده در گزارش، ترکیبی ناهمگون از مدیران ارشد، مهندسان و پژوهشگران را نشان می‌دهد. اما منتقدان بلافاصله اشاره کردند که این توازن به شکل قابل توجهی به نفع «سرمایه و مدیریت» سنگینی می‌کند تا دانش و پژوهش خالص.» این ترکیب، صحنه نبرد قدرت در ساخت آینده هوش مصنوعی را به خوبی منعکس می‌کند

اقتصاد هوش مصنوعی در ایران

تحول جهانی و توان سیاست‌گذاری داخلی، هر روز بیشتر به چشم می‌آید. اکنون مسئله اصلی ما دیگر این نیست که «هوش مصنوعی چه هست؟»، بلکه این است که «چگونه می‌تواند بهره‌وری ملی را افزایش دهد و هم‌زمان از انحصارهای خطرناک جلوگیری شود؟» پرسشی بنیادین که در قلب اقتصاد دیجیتال ایران جای گرفته است. نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، شکاف مقرراتی است. رشد هوش مصنوعی در جهان به‌قدری سریع بوده که بسیاری از کشورها نیز هنوز چارچوب‌های پایدار و جامعی برای آن تدوین نکرده‌اند. باین‌حال تفاوت مهمی میان ایران و کشورهای پیشرو وجود دارد: آنها تقریباً از مرحله‌ی سیاست‌گذاری عبور کرده‌اند و حالا هم‌زمان، هم مشغول قانون‌گذاری، هم سرمایه‌گذاری و بهره‌وری در به کارگیری آن هستند. اما ما هنوز در مرحله گفت‌وگو و بیان دغدغه‌ها



در سال‌های اخیر که هوش مصنوعی از یک فناوری نوظهور به زیرساختی راهبردی برای رشد اقتصادی اغلب کشورها تبدیل شده است، رزمه‌های اهمیت و اثرگذاری آن از منظر اقتصادی در کشور ما به گوش می‌رسد. زیرساختی که به همان نسبتی که فرصت می‌آفریند، می‌تواند شکاف‌ها و نابرابری‌های جدیدی ایجاد کند. موج توجه به هوش مصنوعی چندسالی است که بالا گرفته، اما فاصله‌ی میان سرعت

و استالین جوهردان آن را در دست دارد.» این تاریخچه عمیقاً نشان می‌دهد که تایم چگونه قدرت تخریبی و نفوذ سهمگین شخصیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد و از دادن عنوان به چهره‌هایی که جهان را به بدترین شکل ممکن تغییر داده‌اند، ایایی ندارد.

مرور این میراث تاریخی برای درک جایگاه امروز «معماران هوش مصنوعی» حیاتی است. در سال‌هایی که تایم چهره‌های غیرسیاسی مانند ایلان ماسک را به‌دلیل نفوذشان در تکنولوژی و بازار انتخاب کرده، جنجال‌ها بر سر اخلاقیات و پیامدهای ناخواسته متمرکز بوده است. از این‌رو انتخاب معماران هوش مصنوعی، نه به‌معنای ستایش اخلاقی، بلکه به‌معنای به رسمیت شناختن یک تغییر وجودی در ماهیت قدرت است. آن‌ها نیرویی سهمگین را آزاد کرده‌اند که می‌تواند زندگی میلیاردها نفر را بهبود بخشد، یا به تهدیدی ناخواسته تبدیل شود. انتخاب آن‌ها، اعتراف تایم به این حقیقت است که نیروی غیرسیاسی هوش مصنوعی، بزرگ‌ترین و بی‌بازگشت‌ترین تأثیر را بر سرنوشت بشریت گذاشته است. این دوگانگی شگفت‌انگیز در فلسفه تایم را می‌توان در نقل‌قول سام جیکوبز خلاصه کرد: «شخصیت‌ها انتخاب می‌شوند برای شگفت‌زده کردن و نگران کردن بشریت.» این مفهوم، هسته مرکزی و بی‌طرفانه انتخاب تایم را شکل می‌دهد. این تقابل مهیب بین تحسین و ترس، دقیقاً همان حس است که مجله در طول تاریخ خود به ثبت رسانده است؛ همان هیبتی که تایم در برابر قدرت نظامی رو به رشد هیتلر ۱۹۳۸ و پیش‌از آن استالین احساس می‌کرد، همان حس ترسناکی که با انتخاب بمب‌اتم در سال ۱۹۴۵، به‌عنوان نماد ورود بشریت به عصر سلاح‌های نابودی جمعی، جهان را در برگرفت. تایم با این دوگانگی، نه به فضاضت اخلاقی، بلکه به اعتراف به تغییرات بنیادین جهان می‌پردازد و نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین تأثیرات، اغلب با ترکیبی از امید و وحشت ظهور می‌کنند.

انتخاب شخصیت سال ۲۰۲۵، پژواکی عجیب و معنادار از رویدادی تاریخی در دهه ۱۹۸۰ است. در سال ۱۹۸۲، مجله تایم یک سنت نیم‌قرنی را در هم شکست و به جای یک انسان، «کامپیوتر شخصی» را به عنوان «ماشین سال» برگزید. جان ای. میرز، ناشر وقت تایم، در دفاع از این تصمیم شجاعانه گفت: «چندین نامزد انسانی وجود داشتند، اما هیچ‌کدام نماد سال ۱۹۸۲ نبودند... این سالی بود که انسان‌ها مقام نخست را به یک ماشین واگذار کردند.» این انتخاب، پیشگویی قدرتمندی بود؛ سالی که کامپیوتر برای همیشه از دیناسترتروهای غول‌پیکر خارج شد و به حریم خانه‌ها و زندگی روزمره مردم راه یافت. این رویداد به‌همان اندازه که نوآورانه بود، جنجال‌آفرین نیز شد. استیو جابز جوان که خود را نماد این انقلاب می‌دانست و انتظار داشت روی جلد تایم بدرخشد، عمیقاً از این انتخاب سرخورده شد. او به شدت دلدخور شد که تایم «مخلوق» را به جای «خالق» انتخاب کرده بود و حتی ادعا کرد که تایم او را فریب داده است. ۴۳ سال بعد، تایم در سال ۲۰۲۵، روزی که کاملاً معکوس اتخاذ کرده است. چرا تایم دوباره «هوش مصنوعی» را به عنوان یک مفهوم (مانند سال ۱۹۸۲) انتخاب نکرد؟ چرا روی «معماران» تمرکز کرد؟

فهرست هشت نفر اصلی که روی جلد مجله تایم قرار گرفته‌اند و سایر چهره‌های برجسته‌شده در گزارش، ترکیبی ناهمگون از مدیران ارشد، مهندسان و پژوهشگران را نشان می‌دهد. اما منتقدان بلافاصله اشاره کردند که این توازن به شکل قابل توجهی به نفع «سرمایه و مدیریت» سنگینی می‌کند تا دانش و پژوهش خالص.» این ترکیب، صحنه نبرد قدرت در ساخت آینده هوش مصنوعی را به خوبی منعکس می‌کند. ترکیب این گروه به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود: **۱- حاکمان زیرساخت (سلاطین سخت‌افزار):** جنسن هوانگ (انویدیا) و لیزا سو (ای‌ام‌دی). این افراد کسانی هستند که در حال ساخت زیرساخت فیزیکی این انقلاب هستند. بدون ریزرترها و پردازنده‌های گرافیکی آن‌ها، هوش مصنوعی تنها در حد یک نظریه انتزاعی ریاضی باقی می‌ماند. این گروه، تأمین‌کنندگان انرژی خام و قدرت محاسباتی لازم برای این دگرگونی هستند.

۲- گردانندگان بازار (سلاطین پلتفرم): سم آلتمن (اوپن‌ای‌آی)، ایلان ماسک (ایکس‌ای‌آی) و مارک زاکربرگ (متا). این افراد همان کسانی هستند که مدل‌های بزرگ هوش مصنوعی را آموزش می‌دهند، سرمایه‌های هنگفت جذب می‌کنند و محصولات نهایی را به‌صورت گسترده به جامعه و مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آن‌ها نیروهای اصلی در تبدیل نوآوری به محصول هستند.

۳- مدیران دانش پایه (دانشمندان-دست‌اندرکاران): دمیس هاسابیس (دیپ‌مایند)، داریو آمودی (آنتروپیک) و فی‌جی لی (آزمایشگاه‌های جهانی). این گروه، ریشه در محیط‌های دانشگاهی و پژوهشی دارند و هنوز هم هدایت تیم‌های علمی و توسعه بنیادی را برعهده دارند. باین‌حال اکنون آن‌ها نیز ناچارند که با منطق و قواعد دنیای تجارت و مدیران ارشد بازی کنند و علم خود را با انگیزه‌های

قرار داریم! نبود قوانین شفاف دربار‌ه مالکیت داده، حقوق ناشی از تولید محتوا با کمک مدل‌های مولد، مسئولیت‌پذیری الگوریتمی و استانداردهای امنیت داده، باعث شده که توسعه داخلی هوش مصنوعی اغلب با ابهام، ناهمگونی و بعضاً خطرات اجتماعی همراه شود. در غیاب چنین چارچوبی، نمی‌توان انتظار داشت کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاران صرفاً با اعتماد به آینده سرمایه‌گذاری کنند یا دانشگاه‌ها و بخش خصوصی در تعامل مؤثر و چرخه‌ی اقتصادی هوش مصنوعی قرار بگیرند. ازسوی دیگر فرصت‌های بهره‌وری‌ای که هوش مصنوعی ایجاد می‌کند، برای اقتصاد ایران بسیار تعیین‌کننده است. بخش بزرگی از اقتصاد ماسال هاست با بهره‌وری پایین دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از صنعت گرفته تا دولت و خدمات. هوش مصنوعی -به‌ویژه نسل جدید مدل‌های مولد، سامانه‌های پیش‌بینی و ابزارهای پردازش خودکار- می‌تواند در کوتاه‌مدت اثرات قابل اعتما‌دتری نسبت به بسیاری از سیاست‌های کاراسیک، تحریک اقتصادی ایجاد کند. برای نمونه، در صنایع تولیدی می‌تواند باعث کاهش توقف خطوط، بهبود نگهداری تجهیزات و کاهش ضایعات شود. در بخش مالی می‌تواند مدیریت ریسک، پایش تراکنش‌ها و تخصیص